

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

فرستنده: هوادار پورتال از آسترلیا
شعر از: فقید عبدالغفار "نارس"
چارم جون ۲۰۱۵

نخل رسا؟

ما را چه گناهی ست، که در کسب گنائیم
از نیش چه دردی به چنین سوز و گدازیم
در جاه و جلال و چشم دهر چه رمزی ست
از بی هنری هر طرف آواره و ولگرد
از بیخردی در لجن فسق و فجوریم
دستی نرسیده ست به دامان عفیفی
در چشم که دیدیم شراری ز محبت
از طاقت طومار برآمد که چه دردی ست
اسلام به ما گفته همه شیوه وحدت
هرگز نخمیدیم از اخلاص به درگاه
در سر چه هوایی ست که دائم به هوئیم
وز بهر چه در دشت جنون بی سر و پائیم
کاندر طلبش با دل پُرکینه برائیم
وز بی بصری دست خود و دست عصائیم
وز بی عملی عامل هر جرم و خطائیم
عمری ست که ما دُخت حیا را به صدائیم
کاتش به دل افتاده و سوزان چو گیائیم
لا بُد همه در کوشش و در بند دوائیم
ما در پی آن، تا که در فتنه کشائیم
با خالق و مخلوق پر از روی و ریائیم

شرمندۀ بی برگی و باریم درین دیر

"نارس" ز چه گوئیم، که ما نخل رسائیم

("نارس" - اسلام آباد، ۱۹۹۴)